

چکیده سخنرانی دبیر کل سازمان ملل متحد در شورای روابط خارجی اسرائیل، بیت المقدس، ۲۵ مارس ۱۹۹۸

مطلبی که می خوانید، بیانگر نظرات دبیر کل سازمان ملل متحد درباره اسرائیل است.

....دومین پیام من به سازمان ملل و تاریخ طولانی ما [سازمان ملل و اسرائیل] در کنار یکدیگر است. شما از این گفته من شگفت زده نخواهید شد که سازمان ملل، در دوران اخیر، نهادی بس ضروری به شمار می رود. بنیانگذاری اسرائیل و تاسیس سازمان ملل از لحاظ روانی و تاریخی، و به هنگام سلامت و خطر با یکدیگر گره خورده است. بواقع، زایش اسرائیل در قطعنامه تاریخی سازمان ملل، طرح تقسیم در سال ۱۹۴۷، گرامی داشته شد. هنگامی که با اعلام کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸، جنگ آغاز شد، سازمان ملل در کنار اسرائیل ایستاد. شورای امنیت خواستار آتش بس فوری شد و کمیسیون ترک مخاصمه تشکیل داد. تلاشهای رالف بانیچ در کمک به دستیابی به راه حلی از طریق گفتگو، جایزه صلح نوبل را برای وی به ارمغان آورد. مسئولان سازمان ملل، چه نظامی و چه غیر نظامی، در گذشته و پس از آن، در جست و جوی صلح بین اسرائیل و همسایگانش تلاشی کرده اند که نخستین آنان، کنت فولکه برنادوت بود.

در دهه های بعدی، مصوبات سازمان ملل بیانگر علاقه پایدار جامعه بین المللی به صلحی فراگیر، عادلانه و پایدار در خاورمیانه بوده است. مذاکرات اسلو بر اساس قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت آغاز شد که پایه گذار پیمان های صلح اسرائیل با مصر و اردن به شمار می رود. مؤسسه امداد و خدمات سازمان ملل برای آوارگان فلسطین در خاور نزدیک (اونروا UNRWA)، دفتر هماهنگی ویژه در سرزمینهای اشغالی، برنامه عمران سازمان ملل و بنیاد کودکان این سازمان از جمله سازمانهای متعدد سازمان ملل هستند که کمکهای بشر دوستانه و اقتصادی به فلسطینیان عرضه می کنند. دهها سال است که عملیات صلح ما به حفظ ثبات در منطقه یاری رسانده است.

به هر حال، من بخوبی آگاهی دارم که از دیدگاه بسیاری از اسرائیلیان، سیمای سازمان ملل با روح اولیه آن به هنگام تاسیس سازگاری ندارد. آگاهی دارم که بسیاری از مردم با این دید به سازمان ملل می نگرند که به مخالفت با کشور اسرائیل گرایش دارد. از این نکته نیز آگاهی دارم که اسرائیلیان در موشکافی دقیق برخی از اقدامات این سازمان، ریاکاری و معیارهای دوگانه ای را مشاهده می کنند، چون شرایط، دیگر خشم و محکومیت جهانی را نمی انگیزد. می دانم که اسرائیلیان به هنگامی احساس اهانت می کنند که در زمان سخنرانی آنان، سایر هیأتها جلسه را ترک می کنند. ابا ابان، یکی از کارآمدترین دیپلماتهایی که در تالارهای سازمان ملل حضور یافته است، یک بار از رویدادهای سازمان ملل آن چنان سرخورده شد که نوشت: «به نظر می رسد که جهان به دشمنان ما تعلق دارد.»

مایلم با این قول صریح به نگرانیهای شما پاسخ دهم: زمان آن فرا رسیده است که عصر تازه ای در روابط بین اسرائیل و سازمان ملل آغاز شود که همه از آن بهره مند خواهند شد: اسرائیلیان، فلسطینیان و بقیه جهان عرب، و به طور کلی جامعه بین المللی. تماسهای من با اسرائیل طی سالها، مرا متقاعد ساخته است که ما، به اتفاق یکدیگر می توانیم بر بدگمانیها و سوء تفاهمها چیره شویم.

یکی از راههای آغاز فصل نوین، اصلاح یک بی قاعدگی است: موقعیت اسرائیل به عنوان تنها کشور عضوی که جزو هیچ گروه منطقه ای نیست و به همین علت، نمی تواند به

عضویت نهادهای اصلی مانند شورای امنیت یا شورای اقتصادی و اجتماعی در آید. باید این بی‌قاعدگی اصلاح شود. ما باید اصل برابری میان همه کشورهای عضو سازمان ملل را رعایت کنیم. عادی‌سازی وضعیت اسرائیل در سازمان ملل به عادی شدن دیدگاه این کشور در قبال این سازمان کمک خواهد کرد. سازمان ملل تنها یک رکن سیاسی نیست، و در دستور کار آن، مسائل دیگری بجز مسائل خاورمیانه نیز وجود دارد. اسرائیلیان بخوبی از این امر آگاهی دارند، ولی مشارکت بیشتر باعث دیدگاه متوازن‌تر نسبت به اعمال سازمان ملل خواهد شد.

امکانات گسترده‌ای در اینجا وجود دارد. سهم اسرائیل در فعالیتهای سازمان ملل، هم اینک بسیار بیشتر از آن چیزی است که اغلب مردم می‌پندارند. برای نمونه، کارشناسان اسرائیلی در ارکان مربوط به حقوق بشر و در هیاتهای نظارت بر انتخابات حضور دارند و هیاتهای پزشکی اسرائیلی برای یاری به تحویل کمکهای اضطراری به جمهوری دموکراتیک کنگو فرستاده شده‌اند. اسرائیل با مشارکت در همه اقدامات سازمان ملل برای دستیابی به صلح و توسعه، بیش از این می‌تواند اعتبار کسب کند.

اما عادی‌سازی تحقق نمی‌یابد مگر آنکه سطح اعتماد اسرائیل ژرف‌تر از این شود. در سال گذشته، هنگامی که کمیسیون حقوق بشر یعنی رکنی که از کشورهای عضو تشکیل شده است، آنان را به تزیق و بروس آیدز به کودکان فلسطینی متهم کرد، خشم اسرائیلیان قابل درک بود. چنین اتهامهای بی‌اساسی، پذیرفتنی نیستند و محکومیت جهانی را ایجاد می‌کنند. من بیش از یک بار گفته‌ام که باید در هر جا، با چنین اظهاراتی مقابله کرد. در نشست افتتاحیه کمیسیون حقوق بشر در هفته‌های گذشته، هیاتها بار دیگر این اتهام را محکوم کردند. در واقع، مايلم با نقل قول از اظهارات میروسلاو سومول، رئیس سال گذشته کمیسیون، در ۱۶ مارس بر گفته‌هایم تأکید کنم. او گفت: «ضروری است که بحث‌های ما بر اساس معیارهای بنیادی احترام متقابل صورت گیرد. باید از وارد کردن اتهامهای نژادپرستانه، بیگانه‌ستیزانه، ضد یهودی، تبعیض آمیز یا حاوی دیگر ویژگیهای مشابه پرهیز کرد، چون این اتهامها با نحوه عملکرد این رکن محترم سازگار نیستند. من به عنوان رئیس پیشین که تجربه‌ای طولانی در روبروشدن با چنین اوضاع و اتهامهایی داشته‌ام، قویاً از همه سخنرانان،

خواه نمایندگان کشورهای عضو، خواه ناظران یا نمایندگان سازمانهای غیر دولتی، می‌خواهم به این محدودیتها احترام بگذارند تا از آسیب‌رساندن به کشور، نژاد، مذهب یا گروهی آسیب‌پذیر پرهیز شود.»

امیدواریم که این اظهارات برای همیشه چنین موضوعی را به فراموشی بسپارد. با وجود این، مبارزه گسترده‌تری باید با ضدیهودیت صورت گیرد. سال جاری، پانزدهمین سالگشت اعلامیه جهانی حقوق بشر است. باید از این موقعیت برای محکوم کردن همه شکل‌های ضدیهودیت بهره جست. این موضوع مرا به یاد قطعنامه تاسف‌آور مجمع عمومی در سال ۱۹۷۵ می‌اندازد که صهیونیسم را با نژادپرستی و تبعیض نژادی برابر دانسته است. شاید، این پایین‌ترین سطح روابط ما بوده است: پژوهش‌های منفی آن را هنوز هم نمی‌توان دست کم گرفت. خوشبختانه، مجمع عمومی در سال ۱۹۹۱ این قطعنامه را باطل کرد... □



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی